

## بررسی تأثیرات بینشی و انگیزشی قدرت نرم دشمن بر بیداری اسلامی از نگاه خطبه‌های ۱۶، ۲۲ و ۹۳ نهج‌البلاغه

حسین رحمانی تیرکلایی<sup>۱</sup>

### چکیده

زمانی که آرمان‌های یک جامعه بر اثر تغییر ارزش‌ها به خطر بیفتد، دشمن از فضای ایجاد شده، در مسیر دستیابی به اهداف خود استفاده خواهد نمود و یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ابزارها برای پیشبرد اهدافشان، استفاده از جنگ نرم و اهرم‌های اجتماعی آن خواهد بود؛ پس از شکل‌گیری بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه دشمن با تکیه بر قدرت نرم خود به دنبال تحریف و استحاله این حرکت در جوامع اسلامی است تا از طریق مهار بینش و انگیزش این جوامع، به اهداف تعیین شده خود دست یابد. عنصر قدرت نرم، قادر است راهبردهای بینشی و جهت‌گیری‌های انگیزشی این حرکت شکل گرفته را به مسیر دلخواه دشمن هدایت کند. (مسئله) بر همین اساس، در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی، تأثیرات بینشی و انگیزشی قدرت نرم دشمن بر بیداری اسلامی را از نگاه نهج‌البلاغه و اکاوی کرده‌ایم. (روش) محقق در نهایت در این پژوهش، به این نتیجه رسیده است که دشمن با تکیه به قدرت نرم، به تدریج و بدون خودآگاهی مخاطب، دست به تحریف ملاک‌های محبتی و برانتهی مسلمین زده و با استفاده از همین مکانیزم در صدد مهار بیداری اسلامی در این جوامع می‌باشد، تا در صورت عدم موفقیت در استحاله این حرکت، این جوشش شکل گرفته را به انحراف وادارد. (یافته‌ها) کلیدواژگان: بینش، انگیزش، قدرت نرم، بیداری اسلامی، نهج‌البلاغه

۱. دانشیار مدرسی معارف، گروه علوم انسانی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

## مقدمه

در قدرت نرم، تفکرات، آرمان‌ها و ارزش‌ها مورد هدف دشمن قرار می‌گیرند، تا جایی که بعد از مدتی برخی از ارزش‌ها برای جامعه بدون خودآگاهی، مبدل به ضد ارزش خواهد شد. توسط این قدرت، حجم گسترده‌ای از ضد فرهنگ‌ها از طریق ابزارهای مختلفی چون رسانه، فضای مجازی، اعمال دستوری مسئولان غرب‌گرا، ترک فعل‌ها در حوزه فرهنگ و... به جامعه عرضه خواهد شد و عمدتاً در وهله اول قشر با اهمیت جوان، مورد هدف قرار خواهد گرفت. جنگ نرم، ایجاد انحراف به گرایش هرچه بیشتر انسان به زندگی مادی از طرف دشمن است که از همین طریق اهداف بیداری اسلامی را به تزلزل می‌کشاند. در این راستا اگر جوامع اسلامی بتوانند در عرصه بینشی و گرایشی به استقامت لازم در برابر ترفندهای نرم دشمن برسند، قادر خواهند بود بیداری اسلامی را توسعه داده و به صدور این نهضت بپردازند. در این اثر به دنبال تبیین جایگاه محوری قدرت نرم در تعیین حرکت‌های کلان کشورهای اسلامی هستیم؛ امری که امروزه دشمن با ابزارهای نرم خود به دنبال جهت‌بخشی‌های دلخواه به آن است.

بین پیش و انگیزش‌های انسان رابطه‌ای همسو و پیوسته برقرار است؛ چراکه همان‌گونه که انسان فکر می‌کند، به جهت‌گیری و محبت خواهد رسید و حوزه انگیزه‌ای او جدای از حوزه معرفتی و بینشی او نیست. بر این اساس اگر جامعه‌ای در حوزه انگیزشی و میلی خود دچار مشکل است، باید ابتدا به درمان حوزه معرفتی و بینشی خود بپردازد. لذا اگر دشمن در فرآیند نرم خود حوزه انگیزشی جامعه را وارد دگرگونی سازد، بدون شک قبل از آن حوزه بینشی و معرفتی او متبدل و منحرف شده است. به سبب این تلازم در این اثر به تأثیرات قدرت نرم دشمن بر هر دو حوزه پرداخته خواهد شد؛ در این میان «نظریه بیداری اسلامی به ریشه‌های تاریخی، مذهبی و زمینه‌های تعیین‌کننده در بروز انقلاب‌های اخیر خاورمیانه می‌پردازد.» (محمدی‌فر، ۱۴۰۱: ۸) تاکنون از این منظر به بیداری اسلامی و راه‌کارهای تقویت آن پرداخته نشده و به سبب ضرورت پردازشی به این موضوع، در این اثر به دنبال پاسخ به این سؤالات خواهیم بود؛ ۱- از نگاه نهج‌البلاغه تأثیرات بینشی قدرت نرم دشمن در مقابله با بیداری اسلامی چگونه است؟ ۲- از نگاه نهج‌البلاغه تأثیرات گرایشی قدرت نرم دشمن در مقابله با بیداری اسلامی چگونه است؟

## ۱- پیشینه تحقیق

از جمله آثار همسویی که در این زمینه نگاشته شده، می‌توان بدین موارد اشاره داشت:

- ۱- بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی کشورهای منطقه اثر جمعی از نویسندگان که در سال ۱۳۹۱ منتشر شده است، نگارنده در این اثر به ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در حوزه بیدارسازی فکری و ایمانی منطقه پرداخته است.
- ۲- نسبت‌سنجی طرح خاورمیانه بزرگ و بیداری اسلامی در خاورمیانه اثر محمد فلاح که در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است، نگارنده در این اثر به جنبه تقابلی و درگیری دو طرح کلان فوق، اشاره داشته و نقاط قوت بیداری اسلامی را بیان نموده است.
- ۳- آسیب‌شناسی بیداری اسلامی در کشورهای مصر، تونس و لیبی اثر جمعی از نویسندگان که در سال ۱۳۹۹ منتشر شده است، نویسنده در این تحقیق، ضمن تبیین جایگاه بیداری اسلامی به نحوی تطبیقی آفات و آسیب‌های موجود در این پدیده را تبیین نموده است.
- ۴- شاخص‌های موج دوم بیداری اسلامی اثر محمدرحیم عیوضی که در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است، نویسنده در طول این تحقیق، اصول حاکم بر موج دوم بیداری اسلامی در منطقه را مورد واکاوی قرار داده است.
- ۵- جایگاه زنان در انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر بیداری اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی اثر علی اخترشهر که در سال ۱۳۹۹ منتشر شده است، در طول این اثر، نقش فکری و عملی زنان در عصر انقلاب و بیداری اسلامی در دوره کنونی بررسی و تشریح شده است.
- ۶- تأثیر گفتمان امام خمینی (ره) بر بیداری اسلامی اثر محمدرحیم عیوضی که در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است، نگارنده در طول این اثر کوشیده است به نقش جامع و تأثیرگذار گفتمان امام در جهان اسلام در گذشته و امروز بپردازد.
- ۷- واکاوی گفتمانی انقلاب تونس اثر جمعی از نویسندگان که در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است، در طول این اثر، انقلاب تونس مورد نقد و بررسی قرار گرفته و آسیب‌های حاکم بر آن تبیین شده است.

اما وجه تمایز این موضوع نسبت به آثار برشمرده شده در این است که موارد بیان شده به

زیرساخت‌های بینشی و انگیزشی حاکم بر بیداری اسلامی و نقش قدرت نرم دشمن در هدایت آنها نپرداخته‌اند، که این امر حاکی از نگاه زیرساختی این اثر نسبت به پدیده بیداری اسلامی می‌باشد که در این اثر با روش توصیفی - تحلیلی بدان پرداخته شده است.

## ۲- جایگاه محوری جمهوری اسلامی در تقویت بیداری اسلامی

امروزه در تمام نهضت‌های اسلامی شکل گرفته در منطقه، به نحوی ردپای جمهوری اسلامی قابل مشاهده است و این کشور توانسته با ساماندهی و جهت‌دهی به بینش و انگیزه دیگر کشورهای مظلوم به فراز و فرودهای ایجاد شده در آنها توسط دشمن، پایان دهد. در مواردی که کشورهای اسلامی به دنبال گفتمان بیداری اسلامی بودند، تکنیک‌های نرم دشمن قادر به شکست حرکت‌های جوششی و کلان آنها نبود، اما نقطه کند شدن این نهضت‌ها همسو بوده با نوعی نرمش در برابر دشمن و کوتاه آمدن از اهداف بینشی و گرایشی خود همانطور که خداوند متعال از این انعطاف نهدی به عمل آورده است: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (هود/۱۱۳)؛ و به ستمگران تمایل و تکیه نکنید که آتش (عذاب) شما را فرامی‌گیرد و (در این صورت) برای شما در برابر خداوند، هیچ دوست و سرپرستی نیست، پس (از هیچ ناحیه‌ای) مورد کمک قرار نخواهید گرفت (قرآنی، ۱۳۸۸: ۴/۱۲۷).

در حقیقت این نوع کرنش و عقب‌گرد از اهداف و آرمان‌ها سبب پیشروی بیشتر دشمن و قرار گرفتن در طرح و نقشه کلان آنها و در نهایت از دست دادن نصرت خداوند خواهد شد؛ «در تاریخ معاصر مدتها بود که مذهب به حاشیه رفته بود و دین از عرصه عمومی و دعوی اداره زندگی کنار گذاشته شده بود. اما با پیروزی انقلاب اسلامی مجدداً مذهب به زندگی بازگشت و توانست همه آنچه را که انسان جدید گم کرده بود بیابد و او را به مسیر اصلی بازگرداند.» (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۱: ۴)

امروزه بیداری اسلامی برخواسته از نوعی بینش و انگیزش معنوی در میان ملت‌هاست که بر اساس فطرت توحیدی ملت‌های مستضعف شکل گرفته است، اما دشمن برای مهار این حرکت گسترده، از اهرم‌های نرم خود استفاده می‌کند تا روند بینشی و باوری ملت‌های آزاده را استحاله نماید و بر سیر انگیزشی و در نهایت مؤلفه‌های گرایشی آنها تأثیر بگذارد که کمابیش در مواردی نیز توانسته به این هدف دست پیدا کند.

حرکت بیداری اسلامی با شکل‌گیری انقلاب اسلامی آغاز شد و این انقلاب به عنوان قطب اساسی این حرکت تحول‌خواهانه هرچقدر از استقامت بیشتری در این مسیر برخوردار باشد، بر سیل ملت‌های اضافه‌شده به این حرکت بیدارگرایانه اضافه خواهد نمود؛ «اکنون ملت‌های محروم جهان بیدار شده‌اند و طولی نخواهد کشید که این بیداری‌ها به قیام و نهضت و انقلاب انجامیده و خود را از تحت سلطه ستمگران مستکبر نجات خواهند داد و شما مسلمانان پایبند به ارزش‌های اسلامی می‌بینید که جدایی و انقطاع از شرق و غرب برکات خود را دارد نشان می‌دهد.» (خمینی، ۱۳۸۷: ۴۰)

### ۳- ایجاد گسل‌های باوری و اعتقادی

در جنگ نرم ابعاد باوری و اعتقادی جامعه که جایگاه آن قلب انسان بوده مورد هدف و منازعات دشمن قرار خواهد داشت. در این مسیر آنها به دنبال ارائه الگوهای اقناعی هستند که مخاطب تحت تأثیر آن، حوزه باوری و اعتقادی خود را دچار تشکیک و تزلزل ببیند. غرب و استکبار جهانی تا قبل از انقلاب اسلامی بر این باور بودند که دوران معنویت و دین‌گرایی رو به اتمام است و بشر به دنبال مدل جدیدی از حیات مادی و رها شده از باور و تقیدات است، اما شکل‌گیری انقلاب اسلامی در حوزه‌ای کلان و با گرایش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آنها را بدین واداشت تا پس از مطالعات در این زمینه، حجم وسیعی از تهدیدات نرم و فرهنگی خود را به سمت حوزه‌های باوری و اعتقادی مردم ما گسیل دارند.

کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. (بیانات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا، ۱۳۷۱/۴/۲۲). بیشک نخستین آماج این شبیخون، جوانان‌اند، بویژه آنانکه در جاده‌ی دانش و فرزانیگی قدم برمی‌دارند و آینده فرهنگی و سیاسی کشور در دست آنها است (بیانات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در پیام به کنگره جامعه اسلامی دانشجویان در مشهد، ۱۳۸۰/۶/۱۰). آنها با ارائه تفکرات نوین غربی با پیکره‌های جذاب، درصدد تحمیل این مهم به قشر جوان بودند که تفکرات آنها دارای انقباض بوده و در عصر فعلی کارایی آن از میان رفته است.

مفاهیمی چون آزادی، حقوق بشر، سکولاریسم، پراگماتیسم، اومانیزم و... را در حوزه‌های

قلمی و رسانه‌ای و در محیط‌های دانشگاهی به ذهن نسل امروز عرضه کردند تا سبب ایجاد تضاد، تشّت و تشکیک در باورهای فکری و اعتقادی جوانان گردد. امری که در گام اول شبیخون فرهنگی تا جایی توانست به موفقیت دست یابد. این در حالی است که وقتی فرهنگ الهی در جامعه حکم فرما باشد، منافذ نفوذ شیطانی و اهداف دشمن در جنگ نرم، مسدود خواهد شد و آنها قادر نخواهند بود با سیطره انسان او را در احاطه خود قرار دهند.

جامعه تهی شده از ارزش، بسان بهائمی خواهد بود که تنها به دنبال تمتع بیشتر است و بر منافذ فهمی آنها قفلی قرار دارد؛ لذا می‌فرماید: «لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف/ ۱۷۹)؛ و همانا بسیاری از جنّ و انس را برای دوزخ آفریدیم، (چرا که) آنان دل‌هایی دارند که با آن حق را درک نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند، آنان همچون چهارپایان، بلکه گمراه‌ترند، آنان همان غافلانند (قرآنی، ۱۳۸۸: ۳/ ۲۲۴).

غرب برای ضربه زدن به عقائد و باورهای کشورهای اسلامی که به سبب بیداری کلان اسلامی در حال حرکت بودند، راه‌های گوناگون را در فرآیند نرم خود مورد آزمایش و تجربه قرار داد که از مهم‌ترین آنها دامن زدن به شهوات و عنان‌گسیختگی باوری و ارزشی با ایجاد روزافزون شهوات و فحشاء است. در این مسیر، از عناصر داخلی تحت تأثیر خود نیز استفاده نمود تا فضای ارزشی و انگیزشی جامعه را به سمت مسیر دلخواه خود ببرد. در واقع مرعوب بودن قشر فرهنگی و خواص جامعه در برابر پروژه قدرت نرم غرب، از جمله خطرهایی است که سبب تخریب بسیاری از دستاوردهای اعتقادی جامعه خواهد شد؛ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجَنَّةِ وَالطَّغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا سَبِيلًا. أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا» (نساء/ ۵۱ و ۵۲)؛ آیا کسانی را که بهره‌ای از کتاب (خدا) به آنها داده شده، ندیده‌ای که به بت و طاغوت ایمان می‌آورند و درباره کفار می‌گویند: اینان از کسانی که (به اسلام) ایمان آورده‌اند، راه یافته‌ترند (قرآنی، ۱۳۸۸: ۲/ ۸۲). آنانند کسانی که خداوند، لعنتشان کرده است و هرکس را خدا لعن کند، هرگز برای او یآوری نخواهی یافت (قرآنی، ۱۳۸۸: ۲/ ۸۳).

اما در این مسیر شناخت حق و باطل و مواضع آن در هر زمان، از منظر امیرالمؤمنین یکی از

موانع اساسی در مسیر نفوذ دشمن و قدرت نرم آنها خواهد بود؛ «حَقٌّ وَ بَاطِلٌ وَ لِكُلِّ أَهْلٍ فَلَئِنَ أَمَرَ الْبَاطِلُ لَقَدِيمًا فَعَلَّ وَ لَئِنَ قُلَّ الْحَقُّ فَلَربَّمَا وَ لَعَلَّ وَ لَقَلَّمَا أَدْبَرَ شِئًى فَأَقْبَلَ» (نهج البلاغه/خ ۱۶)؛ زندگی دو راه دارد: یکی حق و دیگری باطل و هر کدامشان دارای پارانی استوار و پیروانی پایدارند. اگر باطل در افزایش باشد چیز تازه ای نیست، زیرا هواخواهان باطل از قدیم در اکثریت بوده‌اند و اگر حق در اقلیت باشد (نقصی برای حق نیست)، با این حال اهل حق با وجود کمی تعداد بر آنان چیره و پیروز می‌شوند و نابودشان می‌سازند. اندک بودن حق را امیديست به فزونی، ولی سستی و ناتوانی در ایمان را امیدی به قوت و توانایی نیست.

دشمن همواره برای ایجاد گسل اعتقادی و باوری در جامعه، به دنبال ایجاد فتنه و القاء متشابهات است تا از این طریق باورهای شکل گرفته در مسیر بیداری اسلامی را وارد دگردیسی سازد؛ خدای متعال بعد از تقسیم آیات قرآن به محکّمات و متشابهات می‌فرماید: «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ» (آل عمران/ ۷) کسانی که سر تا پای وجودشان انحراف و پلیدی و خودپرستی است و قلبشان بیمار است و تحت تأثیر القائات شیطان قرار گرفته‌اند، محکّمات قرآن و عقاید بدیهی و روشن دین را رها می‌کنند و با استناد به ظاهر آیات متشابه در تلاشند تا با تفسیرهای نابجا و تحریف معارف قرآن مردم را گمراه کنند. این چنین انسان‌هایی دست‌پروردگان شیطانند که او را در تحقق بخشیدن به هدفش یاری می‌دهند. قرآن این انسان‌ها را با عناوینی از قبیل «فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ» یا «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» یاد می‌کند و مردم را از پیروی آنان بر حذر می‌دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۶۵)

مردم با بصیرت سیاسی، نقطه ضعف‌ها و قوت‌ها و مصالح نظام جامع اسلامی را به خوبی در می‌یابند و با حضور به موقع در صحنه، از بیداری اسلامی و تحول‌خواهی در این زمینه پشتیبانی می‌کنند، چنان‌که تاکنون این‌گونه بوده است. به هر اندازه بصیرت سیاسی مردم بیش‌تر باشد، بر قدرت و توان همکاری به موقع و به جای آنان با حکومت افزوده می‌شود و به همین میزان نیز از خطا و اشتباه و حرکت‌های نسنجیده که به ضرر نظام می‌انجامد، دور می‌شوند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۷۶)

در حقیقت شناخت دشمن و تحصیل بصیرت لازم در جامعه، سبب خواهد شد فتنه‌ها شناخته شود و خط مشی و اهداف دشمن در جهت خنثی نمودن فرآیند بیداری جوامع، به عیان دیده شود. در چنین زمانی است که دشمن نخواهد توانست با ایجاد فتنه‌های فرهنگی،

فضای جامعه را غبار آلود نماید؛ «فتنه‌ها آنگاه که روی آورند، با حق شباهت دارند و چون پشت کنند حقیقت چنان که هست، نشان داده می‌شود. فتنه‌ها چون می‌آیند شناخته نمی‌شوند و چون می‌گذرند شناخته می‌شوند. فتنه‌ها چون گردبادها می‌چرخند، از همه جا عبور می‌کنند، در بعضی از شهرها، حادثه می‌آفرینند و از برخی شهرها می‌گذرند.» (نهج البلاغه/خ ۹۳)

#### ۴- افزایش باورپذیری فرهنگ غربی در جامعه

دشمن همواره برای دستیابی به منافع خود در تخریب و به انحراف کشاندن بیداری اسلامی، از اهرم تقلب و وارونه‌سازی فرهنگی استفاده می‌کند که با نفوذ فرهنگی و فتح قلعه‌های فرهنگ جامعه میسر است؛ در این روش، آنها به همان میزان که فرهنگ غنی دینی را تخریب می‌کنند، با ابزارهای رسانه‌ای قدرت نرم، فرهنگ خود را باورپذیر و در درجه بالاتری نشان می‌دهند؛ «لَقَدْ اِتَّعَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلِ وَ قَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ هُمْ كَارِهُونَ» (توبه/ ۴۸)؛ (منافقان) پیش از این دنبال فتنه‌گری بودند و کارها را برای تو واژگون جلوه می‌دادند، تا آنکه حق آمد و امر خدا آشکار شد (و پیروز شدید)، در حالی که آنان ناراحت بودند (قرآنی، ۱۳۸۸: ۳/ ۴۳۲).

حرکت بیداری اسلامی دارای پشتوانه اعتماد به خود است؛ بدین معنا که ملت‌های اسلامی به باوری جامع از خود رسیده و از داشته‌های غرب دل‌کنده‌اند که اینچنین در تقابل با اردوگاه غرب در صحنه‌های مقابله حاضر شده‌اند، در این مسیر دشمن برای تهی کردن جامعه دینی از آرمان‌های خود، همواره به دنبال تقویت غرب‌گرایی و دامن زدن به انحرافات فرهنگی و فکری در جامعه است. آنها به همان میزان که به تخریب آرمان‌ها و ارزش‌های دینی می‌پردازند، به دنبال اشاعه فرهنگ غربی در سطوح مختلف نیز هستند.

بدون دامن زدن به جنبه ایدئولوژیک و تفکر یک جامعه و تخریب آن، دشمن قادر نخواهد بود آرمان‌ها و بینش‌های خود را در جامعه بیدار شده‌ی مسلمین پیاده‌سازی کند. بنابراین غرب در سیر جنگ نرم خود، ابتدا به تخریب نمادها و ارزش‌های دینی خواهد پرداخت و پس از آن، مبانی و «ایسم» ساختگی خود را به عنوان ایدئولوژی جایگزین خواهد کرد. در این حالت است که جامعه از درون تهی شده، به یک باره خود را گرفتار سیطره فرهنگ غربی در شئون مختلف جامعه خواهد دید.



اصل اندیشه طرفداران جهان‌بینی مادی، سود و منفعت است که از عمده نقاط ضعف آنها محسوب می‌شود؛ برای آنها تفاوت بخل و حرص و... مانند تفاوت علاقه در نوع غذاها و رنگ‌هاست. بر حسب این دیدگاه نمی‌شود انسان گرسنه باشد و غذا نخورد، نمی‌شود انسان حب دنیا داشته باشد و حاضر باشد که در راه هدفش، جانش را از دست بدهد. انفاق و ایثار، حماقت است. کارهایی که به سود دیگران است معنی ندارد، مگر اینکه بیش از سودی که به طرف می‌رسد به خودش برسد. آنها معتقدند به هر قیمتی باید بیشترین لذت را از زندگی ببریم. عقیده اسلام مخالف لذت بردن از زندگی نیست اما عامل خوشی و سعادت را یاد خدا می‌داند؛ چون هر کس به هر میزان قدرتی که دارد، در اوج ناتوانی به نیرویی بالاتر و برتر از همه انسان‌ها نیاز پیدا می‌کند و آن قدرت فقط خداست و اگر خدا را آن نیروی برتر ندانیم دچار فقدان می‌شویم. اگر مسلمین در جوامع اسلامی گرفتار اهداف مادی و رفاه‌طلبی شوند، دشمن به سهولت قادر خواهد بود از این حفره انگیزشی ایجاد شده، به تجزیه بیداری اسلامی شکل گرفته پردازد؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» \* قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا \* قَالَ كَذَلِكَ أَتَيْنَا فَنَسِيْنَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى» (طه/ ۱۲۴ تا ۱۲۶)؛ و هرکس از یاد من روی گرداند، پس همانا برای او زندگی تنگ و سختی خواهد بود و ما او را در قیامت نابینا محسور می‌کنیم \* (در قیامت خواهد) گفت: پروردگارا! چرا مرا نابینا محسور کردی در حالی که من (در دنیا) بینا بودم؟! \* (و خداوند در جواب خواهد) فرمود: همان‌گونه که آیات ما به تو رسید و تو آنها را فراموش کردی، امروز هم همان طور فراموش گردیده‌ای (قرائتی، ۱۳۸۸: ۴۰۴/۵ و ۴۰۶).

بر این اساس، دشمن از اهرم استعمار و نفوذ فکری و فرهنگی نیز استفاده می‌برد تا معادلات اجتماعی جامعه مسلمین را به نفع خود رقم زند و امنیت فرهنگی جامعه را از میان ببرد؛ باید قدرت نرم غربی را چنان گسترده دید که حتی در کشورهایی که از اقتصاد مستقل بهره‌مندند، غرب به مدد سلطه فکری، سیطره سیاسی را استوار کرده است و استقلال صنعتی برای آنان، خود مختاری سیاسی را پدید نیاورده است. برای نمونه می‌توان از ژاپن نام برد و به تضاد فرهنگ بومی آن ملت در مقابل فرهنگ جدید برخاسته از شیوه اقتصادی مشابه غرب، اشاره کرد. در جامعه ما غرب از اهرم‌های متعدد نفوذ فرهنگی بهره‌مند است و این تعدد وسائل نفوذ را از ارتباط سالیان ممتد با کشورمان به دست آورده است. حضور تحصیل‌کردگان غرب رفته در مؤسسات آموزشی

رایج که بر بنیاد اصول آموزش و پرورش غرب ساخته و پرداخته شده‌اند؛ شکوه و جلال ظاهری تمدن غرب، فرهنگ خودکم‌بینی در مقابل غریبان، هم‌خوانی ارزش‌های آنان با غرائز حیوانی و موارد مشابه آن موجب شده است که نفوذ تفکر غربی و ارزش‌های آن را در بین عامه مردم نیز مشاهده کنیم و آنچه در شرایط حاضر در کشورمان نظاره می‌کنیم که انقلاب با تهاجم و رشد فسادهای اخلاقی دست به گریبان است، نشانه‌ای است بر اینکه فرهنگ غرب از زمینه‌های وسیع نفوذ سود می‌برد اما سلطه شرق از این پایگاه وسیع بهره‌مند نیست. (الهی، ۱۳۶۳: ۳۲). شایگان، ۱۳۹۲: ۶۱)

باور به آرمان‌های دینی، مانع از گرایش به فرهنگ دشمن خواهد شد و میزان پایداری مؤمن را در تقابل با دشمن بالا خواهد برد؛ «لَقَدْ كُنْتُ وَ مَا أُهْدَدُ بِالْحَرْبِ وَلَا أَرْهَبُ بِالضَّرْبِ وَإِنِّي لَعَلِّي يَقِينُ مِنْ رَبِّي وَ غَيْرِ شُهَّةٍ مِنْ دِينِي» (نهج البلاغه/خ ۲۲)؛ و در نبرد با آنان صبر ورزم! مادر به عزایشان بنشینید، تاکنون کسی مرا از نبرد ترسانده و از شمشیر به وحشت نینداخته. من به پروردگارم یقین دارم و شبهه‌ای در دینم ندارم. بر این اساس اسلام به منظور هدایت انسان‌ها و نجات جوامع مسلمین از سیطره فکری و نظامی دشمن، یکی از برنامه‌های اساسی خود را مبارزه با عناصر فرهنگی و عقاید باطل و خرافی جاهلیت قرار داد. به این منظور، عقاید و باورهای غلط حاکم را بیان و از جاهلیت به زشتی یاد کرده (مانده/۵۰) و بر آداب و رسوم غلط و ضد اخلاقی آن روز سخت شوریده است.

### ۵- سطحی‌پنداری روند حرکتی دشمن

جامعه بهره‌مند از شناخت، گرفتار حربه‌های دشمن و قدرت نرم او نخواهد شد؛ زمانی که در جامعه‌ای شناخت از خویشتن، نهادینه گردد، افراد به قدر خود و نسبت نیاز به معبود واقف خواهند شد و همین امر، پایه‌گذار فرهنگ امید و توکل به خداوند در جامعه خواهد شد که یکی دیگر از این ثمرات، افزایش مقاومت در برابر مشکلات در فرآیند بیداری اسلامی است، اشاره قرآن به داستان جنگ احد، گواهی بر این ثمرات است؛ درباره جنگ احد می‌فرماید: رزمندگان مسلمان مجروح و عده آنان نیز کم بود، گروهی فرار کرده بودند و گروهی نیز کشته شده بودند؛ اما چون بر خدا توکل کردند، بر اثر امداد غیبی زمینه‌ای فراهم شد تا آسیب نبینند و با خوش‌نامی و سرافرازی برگردند و کفار را نیز بترسانند. قرآن کریم در مدح آنان می‌فرماید:

«الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران/ ۱۷۳)؛ مؤمنان کسانی هستند که (چون) مردم (منافق) به ایشان گفتند: بی شک مردم (کافر مکه) بر ضد شما گرد آمده (و بسیج شده) اند، پس از آنان بترسید، (آنها به جای ترس) بر ایمانشان بیافزود و گفتند: خداوند ما را کفایت می کند و او چه خوب نگهبان و یابوری است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱/ ۶۵۳).

اگر جبهه مؤمنین در تحلیل حرکات و رفتارهای دشمن به دنبال سطحی نگری باشد، فتح را با شکست عوض خواهد کرد و همان طور که تنگه احد را به همین سبب رها کرد، گرفتار شیخون همه جانبه و غافلگیرکننده توسط قدرت نرم دشمن می گردد. امروزه دشمن با برنامه ریزی های پیچیده اتاق فکر خود به دنبال مقابله نرم و مصادره کردن حرکات شکل گرفته در جامعه مسلمین است تا شعله های مشتعل شده، در نطفه خاموش و به حرکت توده مردم و جنبشی عمومی منتهی نشود، و اگر مسلمین آنها را دست کم گرفته و به ساده انگاری در تحلیل آنها روی بیاورند بدون شک جنبش پدید آمده آنها در کوتاه مدت گرفتار فروپاشی خواهد شد.

در جنگ احد همین ساده انگاری بود که علی رغم هشدارهای مکرر رسول خداوند (صلی ال له علیه وآله وسلم)، موجب شد طعم شیرین پیروزی با هزیمت سنگین عوض شود و بسیاری از مؤمنین به شهادت برسند؛ «(رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، عبدالله بن جبیر را فرمانده تیراندازان کرد که پنجاه نفر بودند و به او فرمود: با تیراندازی خود و نیروهای تحت فرمان، دشمن را از آمدن به طرف کوه منع کن، تا دشمن از عقب بر ما نتازد و هیچ گاه این سنگر را رها مکن، چه سرنوشت جنگ به نفع ما باشد و چه به ضرر ما و حتماً بدان که اگر دشمن بر ما چیره و غالب شود از ناحیه تو شده است.» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴/ ۲۱)

در همین راستا حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) همواره مردم را نسبت به تحرکات سیاسی نظامی ناکثین، هشدار می داد تا با شناخت ترفندهای آنها گرفتار سطحی نگری نسبت به دشمن زمان خود نشوند؛ «أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ ذَمَّرَ حَرْبَهُ وَاسْتَجَلَبَ جَلْبَهُ، لِيَعُودَ الْجَوْرُ إِلَى أَوْطَانِهِ وَيَرْجِعَ الْبَاطِلُ إِلَى نِصَابِهِ وَاللَّهِ مَا أَنْكَرُوا عَلَيَّ مُتَكَرراً وَلَا جَعَلُوا بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ نَصِفاً وَإِنَّهُمْ لِيَطْلُبُونَ حَقًّا هُمْ تَرَكُوهُ وَدَمًا هُمْ سَفَكُوهُ؛ فَلَيْنَ كُنْتُ شَرِيكُهُمْ فِيهِ فَإِنَّ لَهُمْ لِنَصِيحِهِمْ مِنْهُ وَلَئِن كَانُوا وَلَوْهُ دُونِي، فَمَا التَّبِعَةُ إِلَّا عِنْدَهُمْ وَإِنِّي أَعْظَمُ حُجَّتَهُمْ لَعَلَى أَنْفُسِهِمْ، يَرْتَضِعُونَ أَمَّا قَدْ فَطَمْتُ وَيُخَيِّونَ بِدَعَاةٍ قَدْ أُمِيتَتْ. يَا حَيِّيَةَ الدَّاعِي! مَنْ دَعَا إِلَى الْإِلَامِ أُجِيبَ! وَإِنِّي لَرَاضٍ بِحُجَّةِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

وَعَلِمَهُ فِيهِمْ» (نهج البلاغه/ ۲۲)؛ آگاه باشید که همانا شیطان حزب و یارانش را بسیج کرده و سپاه خود را از هر سو فراهم آورده است تا بار دیگر ستم را به جای خود نشاند و باطل به جایگاه خویش پایدار شود. سوگند به خدا ناکثین هیچ گناهی از من سراغ ندارند و انصاف را بین من و خودشان رعایت نکردند، آنها حقی را می طلبند که خود ترک کردند و انتقام خونی را می خواهند که خود ریختند. اگر شریک آنها بودم، پس آنها نیز در این خونریزی سهم دارند و اگر تنها خودشان خون عثمان را ریختند. پس کیفر مخصوص آنهاست، مهم ترین دلیل آنها به زیان خودشان است، می خواهند از پستان مادری شیر بدوشند که خشکیده، بدعتی را زنده می کنند که مدت هاست مرده، و چه دعوت کننده ای! و چه اجابت کنندگانی؟! همانا من به کتاب خدا و فرمانش درباره ناکثین خوشنودم.

از جمله عناصر حرکتی دشمن در مهار جنبش بیداری اسلامی، استفاده از ابزار فشار حداکثری است، دشمن همواره روش های گوناگونی برای تحت فشار قرار دادن به مؤمنین داشته و در طول تاریخ از آن بهره برده است؛ خواه این روش ها از قبیل تحریم اقتصادی باشد یا تحریف آرمان های جبهه مؤمنین یا... به عنوان مثال یهودیان مدینه نه تنها مسلمانان را در بحرانی ترین وضع زندگی در صدر اسلام یاری نکرده و به بهانه های واهی تقاضاهای آن ها را رد کردند بلکه به نزد گروهی از انصار آمدند و گفتند: «اموال خود را برای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و اصحابش مصرف نکنید؛ زیرا فقیر خواهید شد.» (فخر رازی، ۱۴۱۳: ۵/ ۳۶۰) از این رو خداوند متعال آیه شریفه ذیل را نازل فرمود: «الَّذِينَ يَبِخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا» (نساء/ ۳۷)؛ (متکبران خود برترین) کسانی هستند که (هم خود) بخل می ورزند و (هم) مردم را به بخل فرمان می دهند و آنچه را که خدا از فضل خود به آنان بخشیده پنهان می دارند و ما برای کفران کنندگان نعمت ها عذابی خوارکننده آماده کرده ایم (قرآنی، ۱۳۸۸: ۲/ ۶۷).

ملت ما به عنوان محور بیداری اسلامی که بار اصلی فشار دشمن را تحمل نموده، به خوبی به این حقیقت واقف است که ضعف در دشمن شناسی و فراموش کردن خطر استعمار و عدم شناخت دشمن اصلی در روند قدرت نرم و از طرفی دیگر دست حاجت به سوی انگلستان سیلی خورده دراز کردن، هزینه سنگینی برای مملکت ما داشت که کمترین آن بر سر دار رفتن آیه الله شیخ فضل الله و ترور سید عبدالله بهبهانی و سلطه سکولارها بود. از پیامدهای فراموش کردن

خطر استعمار انگلیس این بوده که نخست، تهاجم فرهنگ غربی بعد از مشروطه در شعارهای انحرافی یا تفسیرهای غیر دینی، الفاظ مشترک مشروطه را از محتوای دینی و بالندگی و قداست ساقط کرد و سپس واژه‌های آزادی، عدالت، برابری و... را در مفاهیم لیبرال و گاه اومانستی مطرح کرد و این به منزله غربی شدن فرهنگ انقلاب مشروطه بود (نجفی، ۱۳۷۸: ۱۳۴).

### ۶- ایجاد ناامیدی نسبت به حاکمیت دینی

در قرآن موارد مختلفی را می‌توان یافت که دشمنان در جنگ نرم با هدف ضربه زدن به جامعه اسلامی و ایجاد ناامیدی در بین آحاد مردم در سیر کنترلی تمدن اسلامی از آن استفاده می‌کنند. مواردی از قبیل تحقیر مؤمنان و بزرگ‌نمایی مخالفان، توجیه، شایعه، تضعیف باورهای دینی، اظهارات دروغین و یاریکارانه، وعده‌های دروغین، فریب و... از جمله آنها است. هدف دشمنان از چنین رفتارهایی القاء یأس و ناامیدی در جامعه اسلامی نسبت به خیزش شکل گرفته جدید است. به عنوان مثال می‌توان به شگرد فریب اشاره کرد که معمولاً با کذب و دروغ همراه است. قرآن درباره منافقان که دشمن مهم مؤمنان هستند، می‌فرماید: «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (منافقون/ ۱)؛ هنگامی که منافقان نزد تو آیند، گویند: «گواهی می‌دهیم که تو پیامبر خدا هستی» و خدا می‌داند که تو پیامبرش هستی و خدا شهادت می‌دهد که منافقان دروغ‌گویند (قرآنی، ۱۳۸۸: ۴۸/۱۰)؛ یا درباره شیطان هشدار می‌دهد که او دروغ می‌گوید تا بتواند مؤمنان را فریب دهد و به انحراف بکشانند. قرآن در این باره می‌فرماید: «يَعِدُّهُمْ وَيُمْنِيهِمْ وَمَا يَعِدُّهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (نساء، آیه ۱۲۰)؛ (شیطان) به آنان وعده می‌دهد و ایشان را در آرزو می‌افکند و شیطان جز فریب، وعده‌ای به آنان نمی‌دهد (قرآنی، ۱۳۸۸: ۱۶۷/۲).

از جمله عواملی که دشمن همواره با قدرت نرم خود روی آن تمرکز داشته، وارد نمودن مسئولین نفوذی در سیستم حکومت کشورهای مسلمان بوده تا در گرو عدم کارایی آنها، مردم این کشورها را دچار ناامیدی نسبت به حاکمیت دینی و بدبینی به آرمان‌های آن نماید. از همین روی حفظ سلامت اقتصادی مسئولین یکی دیگر از عوامل تأمین امنیت اقتصادی جامعه خواهد بود که حضرت علی (ع) به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره در نامه‌ای بر حفظ سلامت کاری تأکید داشته و افزوده‌اند: اما بعد، ای پسر حنیف! به من گزارش داده شده است که مردی از

متمکنان اهل بصره، تو را به میهمانی اش دعوت کرده و تو با سرعت به سوی آن شتافته‌ای، در حالی که طعام‌های رنگارنگ و ظرف‌های بزرگ غذا، یکی پس از دیگری پیش تو قرار داده می‌شد و من گمان نمی‌کردم که تو دعوت جمعیتی را قبول کنی که نیازمندانشان ممنوع و ثروتمندانشان دعوت می‌شوند. به آنچه می‌خوری، بنگر که آیا حلال است یا حرام. آن‌گاه آنچه حلال بودنش بر تو مشتبه بود، از دهان بینداز و آنچه به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری، تناول کن... بنابراین، ای پسر حنیف! از خدا بترس و به همان فرصت‌های نان اکتفا کن تا خلاصی تو از آتش جهنم امکان‌پذیر گردد. (نهج البلاغه/ن ۴۵)

امام علی (ع) در همین راستا به زیاد بن ابیه، جانشین فرماندار بصره (عبداله بن عباس) که در آن روزگار، فرمانداری بصره، اهواز، فارس، کرمان و دیگر نواحی آن منطقه را از سوی امام عهده‌دار بود، چنین می‌نگارد: هنگام دریافت غنایم بیت‌المال مسلمین از مردم پیرسید که آیا در اموال شما حقی از خدا هست که آن را به نماینده‌اش بپردازید؟ اگر کسی گفت: نه، دیگر به او مراجعه مکن و اگر کسی پاسخ داد: بلی، همراهش برو؛ اما نه این که او را بترسانی یا تهدید کنی یا او را به کار مشکلی مکلف سازی. هرچه از طلا و نقره به تو داد، بستان و اگر دارای گوسفند یا شتر بود، بدون اذن او داخل مشو؛ زیرا بیش‌تر از آن او است و آن‌گاه که وارد شدی، هم‌چون شخصی مسلط و سخت‌گیر عمل مکن، حیوانی را فراری مده و ناراحت نکن... (وقت آوردن به مرکز) چوپانی گوسفندان و شتران را جز به شخص خیرخواه و مهربان و امین و حافظ که نه سخت‌گیر است، نه اجحاف‌گر، نه تند می‌راند و نه حیوانات را خسته می‌کند، مسپار. سپس هر چه جمع‌آوری کردی، فوراً به سوی ما روانه ساز تا آنها را در مصارفی که خداوند فرمان داده است، مصرف کنیم و آن‌گاه که آنان را به دست امین خود، برای رساندن به مرکز سپردی، به او سفارش کن که بین شتر و نوزادش جدایی نیفکند و شیر آن را ندوشد که به بچه‌اش زیان وارد شود و در سوار شدن بر شتران، عدالت را مراعات کند و نیز مراعات شتر خسته یا زخمی را که سواری دادن برایش مشکل است، بکند. آنها را به برکه آب ببرد و از کناره‌های جاده علف‌دار، به درون جاده بی‌گیاه منحرف نسازد و ساعاتی استراحتشان بدهد و آن‌گاه که به آب و علفزار می‌رسد، مهلت دهد که آب بنوشند و علف بخورند تا هنگامی که به ما می‌رسند، به اذن خدا فریبه و سرحال باشند، نه خسته و کوفته، تا آنها را طبق کتاب خدا و سنت پیامبرش تقسیم کنیم. این برنامه، باعث بزرگی پاداش و هدایت تو خواهد بود. ان‌شاء‌الله. (نهج البلاغه/ن ۲۵)

اما در طرف مقابل اگر مسئولین در حفظ شئون دینی و وظایف حاکمیتی خود پرتلاش باشند و بین خود و مردم با تجملات، زیاده‌خواهی، فساد مالی و... دیوار نکشند، اهرم نرم دشمن نخواهد توانست در جهت فتنه‌انگیزی در این مسیر تحولی و عدالت‌خواهانه بین‌المللی، موفق عمل نماید؛ این مهم با عامل بودن مسئول به سخنان و راهی که برای جامعه مؤمنین ترسیم می‌کند میسر خواهد بود. مادامی که مسئول تنها از حکومت دینی بگوید و در عمل منافی آن را مرتکب شود، جامعه روز به روز از حاکمیت دینی دور و ناامیدتر خواهد شد؛ «ذُمَّتِي بِمَا أَقُولُ زَهِيْنَةً وَأَنَا بِهِ زَعِيْمٌ» (نهج البلاغه/ ۱۶)؛ آن چه می‌گویم به عهده می‌گیرم، و خود به آن پای بندم.

#### ۷- استحاله شدن قوه بصیرتی و اندیشه‌ای جامعه

بصیرت تکامل علم و معرفت به شیء است. (عسکری، ۱۴۱۵: ۱۰۲) اصل در معنای بصیرت، همان دریافت باطنی و بینایی دل و درک فراتر از ظاهر است و «بصیرت دینی» عبارت است از اعتقاد و باور قلبی به امر دین که یقین را به ارمغان می‌آورد (فراهیدی، ۱۴۱۲: ۱/۱۶۶). امیرالمؤمنین در بیان ویژگی‌های رهبر دینی، رابطه دین‌مداری و بصیرت دینی در نهج البلاغه می‌فرماید: علم آنان را به حقیقت درک باطنی رساننده و روح یقین را یافته‌اند؛ «هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيْقَةِ الْبَصِيْرَةِ وَبَاشَرُوا رُوْحَ الْيَقِيْنِ». (نهج البلاغه/ ح ۱۴۷) لذا فقدان بصیرت ناظر به عدم شناخت قلبی است. (قاضی، ۱۳۷۸: ۲/۲۹۴)

بصیرت دینی نوعی از آگاهی و شناخت است که صرفاً معرفت و شناخت نظری و فکری نیست، بلکه نوعی معرفت قلبی و شناخت درونی است که از دوار عبادت و تقوا حاصل می‌شود. (طاهری، ۱۳۹۱: ۸۱) این امر روح را تصفیه نماید و خالص کند و از قید اسارت نفس، انسان را برهاند و حب دنیا را که منشأ خطیئات و سرچشمه سیئات است از دل بیرون کند و هم‌راهم واحد کند و دل را برای ورود صاحب منزل پاک و پاکیزه نماید. (خمینی، ۱۳۷۱: ۲۴۹)

یکی از گونه‌های مهم حمله فرهنگی دشمن در مسیر کنترل بیداری اسلامی با ابزار قدرت نرم، رخنه نمودن در تفکرات جامعه خصوصاً جوانان آن از طریق رسانه و فضای مجازی است. تا زمانی که معتقدان به مبارزه با استعمار و استکبار جهانی خویش را در این میدان نیرومند نسازند، بی‌تردید زاویه‌ای که میان نسل‌های نورسته با ارزش‌ها و اصالت‌های فرهنگی اسلام به دلیل نفوذ فرهنگ و تبلیغات غرب گاه به چشم می‌خورد همچنان گسترش خواهد یافت.

مبارزات سیاسی و حتی نظامی با آمریکا زمانی سودمند خواهد بود که همپای آن مبارزه فرهنگی - تبلیغی نیز صورت گیرد. (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۲۲)

وجود بصیرت سبب دیدن صحیح حقایق و امدادهای غیبی خداوند در قبال جامعه ایمانی خواهد شد و جامعه‌ای که در ظاهر امر گرفتار تحریم سیاسی بوده را به تدریج به فتوحات و فرج خواهد رساند. زمانی که در جامعه مسلمین اعتقاد به امداد غیبی خداوند وجود داشته باشد، نگاه آنها به امکانات مادی دشمن، توأم با احساس عجز درونی نخواهد بود؛ خداوند عنایت به رزمندگان جنگ بدر و القاء رعب در دل دشمنان را مایه عبرت صاحبان بصیرت بیان می‌کند: «قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ» (آل عمران/ ۱۳)؛ به یقین در دو گروهی که (در جنگ بدر) با هم روبرو شدند، برای شما نشانه (و درس عبرتی) بود گروهی در راه خدا نبرد می‌کردند و گروه دیگر که کافر بودند (در راه شیطان و هوس خود) کفار به چشم خود مسلمانان را دو برابر می‌دیدند (و این عاملی برای ترس آنان می‌شد) و خداوند هرکس را بخواهد به یاری خود تأیید می‌کند همانا در این امر برای اهل بینش، پند و عبرت است (قرآنی، ۱۳۸۸: ۱/ ۴۷۶). عبرتی که حضرت حق گوشزد می‌کند، این است که در همه امور من جمله جنگ، ایمان حرف اول را می‌زند نه نیرو و سلاح، اگر ایمان بود عنایت حق هم هست: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد/ ۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد (قرآنی، ۱۳۸۸: ۱/ ۶۶).

کسانی که به تازگی تحصیل کرده‌اند، در هنگام مواجهه با دست‌آوردهای علمی نهادهای اجتماعی و فناوری غرب، چیزی که قابل قیاس و شایسته عرضه باشد در میراث فرهنگ اسلامی، نمی‌یافتند. رکود اندیشه فلسفی و فقر تنوریک در عرصه تفکر اجتماعی و نیز انحطاط سیاسی و اجتماعی جوامع مسلمان که توسط ماشین نرم دشمن برای جلوگیری از بیداری اسلامی بود، سبب شد که بخشی از نسل جوان و نوجوان مسلمان در چاره‌جویی معضلات و آسیب‌ها و در رقابت با جریان روشن‌فکری سکولار، به پذیرش اصول و چارچوب‌های مدرنیته تن دردهد و تلاش خویش را صرف هم‌خوانی اسلام با مؤلفه‌های فرهنگ مدرن کند. محصول تلاش خستگی‌ناپذیر جریان روشن‌فکران دینی در سده اخیر - با همه تفاوت‌ها و تنوع‌هایی که در مبانی و مکتب‌های پذیرفته شده آنها از مارکسیسم تا لیبرالیسم و از اکزیستانسیالیسم تا مکتب‌های



تجربی و پزیتویستی وجود داشت - سیال کردن مفاهیم اسلامی، کم کردن مقاومت فرهنگی مسلمانان در برابر موج جهانی تمدن غرب و بالآخره هم‌آوا کردن بخشی از نسل جدید جهان اسلام با جریان عمومی مدرنیته بوده است. (سبحانی، ۱۳۸۶: ۱۲۷)

این یک سنت و قانون همیشگی در طول تاریخ و در همه زمان‌ها بوده است که دشمنان همیشه در برابر مصلحان بزرگ و انبیای الهی و حرکت‌های انقلابی، مقابله کرده‌اند. (حاجی صادقی، ۱۳۹۳: ۳۸) قرآن کریم به عنوان یک اصل کلی می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ» (انعام/۱۱۲)؛ (ای پیامبر! اینان تنها در برابر تو به لجاجت نپرداختند، بلکه) ما این‌گونه برای هر پیامبری، دشمنی از شیطان‌های انس و جن قرار دادیم که برخی از آنان حرف‌های دلپسند و فریبنده را به برخی دیگر مرموزانه القا می‌کنند، البته اگر پروردگارت می‌خواست، چنین نمی‌کردند (ولی سنت الهی بر آزادی انسان‌ها می‌باشد)، پس آنان را و آنچه به دروغ می‌سازند به خود واگذار (قرآنی، ۱۳۸۸: ۵۳۳/۲).

دشمن با استفاده از قدرت نرم خود، همواره به دنبال غبار آلود کردن فضای تشخیصی برای مؤمنین خصوصاً نسل جوان است تا با ایجاد فتنه، بینش‌ها و انگیزه اهداف آنها را در شکل‌گیری بیداری اسلامی دستخوش تغییر نماید؛ «فتنه‌ها آنگاه که روی آورند با حق شباهت دارند و چون پشت کنند حقیقت چنان‌که هست، نشان داده می‌شود. فتنه‌ها چون می‌آیند شناخته نمی‌شوند و چون می‌گذرند شناخته می‌شوند. فتنه‌ها چون گردبادها می‌چرخند، از همه جا عبور می‌کنند، در بعضی از شهرها، حادثه می‌آفرینند و از برخی شهرها می‌گذرند.» (نهج البلاغه/خ ۹۳)

از نظر قرآن، هر رخدادی آیه‌ای روشن‌نگر است. از این روست که از آن به بصایر، یعنی مایه‌های روشن‌گری یاد می‌کند. انسانی که اهل بصیرت است، با این روشنایی که از هر رخداد به دست می‌آورد و باطن و حقایق امر آن را می‌یابد، این امکان را برای خود فراهم می‌آورد تا از آن چیز بهترین استفاده را داشته باشد. از دیگر کارکردهایی که قرآن برای بصیرت بیان می‌کند، انذارپذیری است. به این معنا که انسان دارای بصیرت، به هر رخداد و آیه‌ای به عنوان یک انذار و هشدار الهی می‌نگرد و از آن درس و عبرت می‌گیرد. براین اساس هرگاه با رخدادی مواجه شد اگر در خواب غفلت بود بیدار می‌شود و اگر بیدار بود هوشیار می‌گردد و اگر هوشیار بود به بهترین وجه از آن رخداد بهره می‌برد و منافع خویش را افزایش می‌دهد و به سوی بالندگی و رشد کشیده

می شود. انسان غیر مؤمن، نسبت به این آیات راه تمسخر و استهزا را در پیش می گیرد و به جای رشد و بالندگی عامل سقوط و هبوط و افزایش گمراهی و ضلالت وی می شود. این گونه است که اهل بصیرت، با هر آیه و رخدادی به بصیرتی برتر و کامل تر رسیده و مایه افزایش روشنائی و روشننگری آنان می شود در حالی که برای اهل کفر و نفاق و ضلال، هر آیه و رخدادی مایه گمراهی و بدبختی آنان می شود. (منصوری، ۱۳۸۲: ۱۷)

از این روی یکی از آثار بصیرت این است که انسان های بصیر و رشدیافته در دامان بیداری اسلامی، از ولایت پیشوایان کفر و همین طور ذلت تن دادن به اهداف دشمن در جنگ نرم در امان خواهند بود و در قیامت گرفتار پشیمانی نخواهند شد. حضرت امیرالمؤمنین در نامه ای خطاب به معاویه می نویسد: «ای معاویه گروهی بسیار از مردم را به هلاکت کشاندی و با گمراهی خود فریشان دادی و در موج سرکش دریای جهالت خود غرقشان کردی، که تاریکی ها آنان را فرا گرفت و در امواج انواع شبها غوطه ور گردیدند، که از راه حق به بیراه افتادند و به دوران جاهلیت گذشتگان شان روی آوردند و به ویژگی های جاهلی خاندانشان نازیدند، جز اندکی از آگاهان که مسیر خود را تغییر دادند.» (نهج البلاغه/ن ۳۲)

## ۸- بی انگیزگی و یأس در حفظ آرمان های دینی

هر چه ارزش ها در یک جامعه بیشتر ترویج پیدا کند، موجب قدرشناسی بیشتر از داشته ها خواهد شد و افراد به سهولت گرفتار حربه های دشمن و قدرت نرم او نخواهند شد؛ جامعه تهی شده از ارزش، بسان بهائمی خواهد بود که تنها به دنبال تمتع بیشتر است و بر منافذ فهمی آنها قفلی قرار دارد، چنین جامعه ای قدرت تشخیص بیداری و ارمغان های نهضت بیداری اسلامی را نخواهد داشت و در نتیجه انگیزه ای برای دستیابی به آنها، در درونش شکل نخواهد گرفت، لذا خداوند متعال می فرماید: «لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف/ ۱۷۹)؛ و همانا بسیاری از جنّ و انس را برای دوزخ آفریدیم، (چرا که) آنان دل هایی دارند که با آن حقّ را درك نمی کنند و چشمانی دارند که با آن نمی بینند و گوش هایی دارند که با آن نمی شنوند، آنان هم چون چهارپایان، بلکه گمراه ترند، آنان همان غافلانند (قرآنی، ۱۳۸۸: ۳/۲۲۴).

یکی از ابتکارات امام علی (ع)، تأسیس خانه عدالت بود که امروز از آن به دیوان عدالت اداری تعبیر می‌کنند. او خانه‌ای را معین کرد که مردم شکایت خود را از نظام و غیره به آن جا ببرند تا امام از نزدیک با درد مردم آشنا شود. مسلماً در این نامه‌ها علاوه بر انتقاد از کارگزاران، نکته دیگری بود که مردم نیازهای خود را نیز از طریق نامه به امام برسانند و چه بسا سخن گفتن رودررو، باعث کوچک شدن افراد و نقض عزت آنها گردد و امام، به این نکته چنین اشاره می‌کند: «مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَىٰ مَنكُم حَاجَةٌ فَلْيَرْفَعْهَا فِي كِتَابٍ لِأَصْوَنَ وَجُوهِكُمْ فِي الْمَسْأَلَةِ» (نهج البلاغه/ ۵۳)؛ هر کس نیازی به من دارد در نامه‌ای بنویسد تا آبروی او را از این طریق حفظ کنم. بنابراین، دسترسی آسان به مدیران و مسئولان جامعه و پاسخ‌گو بودن آنان، دو شرط اساسی برای ایجاد فضای امید در جامعه خواهد بود. در حقیقت این عمل مسئولانه در حکومت دینی، موجب می‌گردد جامعه به سمت بصیرت ملی و همگانی گام بردارد و منافع حقیقی خود را در انقطاع از دشمن ببیند؛ چراکه دشمن در طول تاریخ به دنبال ایجاد شکاف هر چه بیشتر بین مسئولین و جامعه بوده و در این مسیر از اهرم‌های گوناگونی استفاده نموده است.

جامعه‌ای که به دنبال ارتقاء سطح زیستی و استقلال از جبهه استکبار است و به ذلت فرمانبرداری از غرب رضایت نمی‌دهد، باید توجه داشته باشد که یأس و ناامیدی از خداوند متعال و منفی‌بافی انسان و اعراض از یاد خداوند، رابطه‌ای دو طرفه داشته و انسان هرگاه که از یاد خداوند غافل گردد، یأس بر او حاکم خواهد شد، در چنین جامعه‌ای محرک‌های لازم برای شکل‌گیری بیداری اسلامی وجود ندارد؛ چراکه در این حالت به اسباب زوال‌پذیر دنیوی دل می‌بندد و این اسباب محدود و محتاجند و توانایی برآورده نمودن مطلق حوائج انسان را نخواهند داشت. همین تکیه کردن به چنین خانه‌ای پوشالی سبب حصول روحیه یأس در انسان می‌گردد؛ «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعُنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعُنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنكبوت/ ۴۱)؛ مثل کسانی که غیر خدا را سرپرست خود برگزیدند، همانند مثل عنكبوت است که (برای خود) خانه‌ای ساخته؛ و البته سست‌ترین خانه‌ها خانه‌ی عنكبوت است اگر می‌دانستند، (قرآنی، ۱۳۸۸: ۱۴۶/۷). اگر به این واقعیت معرفت و شناخت داشتند بت‌ها را سرپرستان خود نمی‌گرفتند. از طرفی دیگر نیز انسانی که گرفتار منفی‌نگری است، نسبت به خداوند نیز بدبین خواهد بود و همین نگاه سوء بر دوری رابطه‌اش از خداوند لحظه به لحظه می‌افزاید.

یکی دیگر از اهرم‌های یأس‌آفرینی دشمن در فرآیند بهره‌گیری از قدرت نرم و استحاله جنبش بیداری اسلامی، ایجاد ناامنی است؛ آنها می‌خواهند مسلمین را به این القاء برسانند که حرکت بیداری آنها، تاوان خارجی و تلفات انسانی خواهد داشت. دشمن امنیت این جوامع را مورد تهدید قرار می‌دهد. چراکه یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مقولات هر جامعه‌ای، تأمین و برقراری امنیت برای مردم و دفاع از حقوق آنها است. امنیت سنگ زیربنای حیات فرد و جامعه است و پیش‌شرط هرگونه توسعه، رشد، رفاه و ارتقای مادی و معنوی به حساب می‌آید. بر همین اساس بوده که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در تأمین این خصیصه حساسیت و قاطعیت داشتند؛ امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «أَمَّا بَعْدَ فَأَنْتَ مِمَّنْ اسْتَظْهَرَ بِهِ عَلِيَّ إِقَامَةَ الدِّينِ وَاقْمَعُ بِهِ نَخْوَةَ الْأَثِيمِ وَاسْدُدْ بِهِ لِهَاتِهِ الثُّغْرَ الْمَخُوفَ» (نهج البلاغه/ن ۴۷)؛ بی‌گمان تواز کسان‌هستی که من در اقامه دین خدا و اجرای قوانین الهی و درهم شکستن غرور جنایتکاران و پاسداری از مرزهای حساس کشور به نیروی آنها تکیه و اعتماد می‌کنم.

وعده خداوند بر نصرت جبهه مؤمنین و پیروزی نهایی حق بر باطل است، این وعده حتمی خواهد بود و وجود انگیزه بین مؤمنین در پیش‌برد اهداف الهی در جامعه، تحقق آن را تسریع خواهد بخشید هرچند شرائط بر مؤمنین سخت و دشوار شده باشد؛ «وَ [كَانَتْ] صَاقَتِ الدُّنْيَا عَلَيْكُمْ ضَيْقًا، تَسْتَطِيلُونَ مَعَهُ أَيَّامَ الْبَلَاءِ عَلَيْكُمْ، حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ الْأَبْرَارِ مِنْكُمْ» (نهج البلاغه/خ ۹۳)؛ جهان بر شما تنگ شود، روزهای بلا و مصیبتتان به درازا کشد. تا آن‌گاه، که خدا آن گروه از نیکوکاران را که در میان شما باقی مانده‌اند، پیروزی دهد.

### نتیجه‌گیری

دشمن در مسیر کنترل بیداری اسلامی و تحریف اهداف شکل‌گرفته، همواره با ابزارهای نرم خود به دنبال این غایت است که دستاوردهای جوامع دینی را دگرگون جلوه دهد و از این طریق به صفوف آنها وارد شود تا احساس تکیه به خود در میان ملت‌های مسلمان شکل نگیرد. دشمن‌شناسی مسلمین خطری بزرگ برای استکبار جهانی و تهدیدی فزاینده نسبت به سلطه او بر جهان محسوب می‌شود. استکبار جهانی از همان بدو پیدایش انقلاب اسلامی ایران به عنوان قطب بیداری اسلامی، نسبت به آن، دشمنی ورزیده و هرگز از فکر نابودی آن غافل نگردیده است و توطئه‌های متعدد آنها علیه موجودیت نظام جمهوری اسلامی ایران نشانگر این

امر است. نگارنده در این تحقیق به دنبال بررسی تأثیرات بینشی و انگیزشی قدرت نرم دشمن بر بیداری اسلامی از نگاه نهج البلاغه بوده و در این راستا به مواردی چون ایجاد گسل‌های باوری و اعتقادی، سطحی‌پنداری روند حرکتی دشمن، ایجاد ناامیدی نسبت به حاکمیت دینی و... پرداخته شده است و در نهایت در این اثر، به این نتیجه رسیده است که دشمن با تکیه به قدرت نرم، به تدریج و بدون خودآگاهی مخاطب، دست به تحریف ملاک‌های محبتی و برائتی مسلمین زده و با استفاده از همین مکانیزم درصدد مهار بیداری اسلامی در جوامع است، تا در صورت عدم توان بر استحاله این حرکت، این جوشش شکل گرفته را به انحراف وادارد.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. الهی، همایون (۱۳۶۳). دیکتاتوری کارتل‌ها، تهران: امیرکبیر.
۴. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). پیوند مردم و حکومت اسلامی در اندیشه امام خمینی، تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. جمعی از نویسندگان (۱۴۰۱). انقلاب اسلامی ایران و آینده امت اسلام در اندیشه علم مطهری، تهران، مجله مطالعات بیداری اسلامی.
۶. حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۹۳). بصیرت چپستی، چرایی و چگونگی، قم: زمزم هدایت.
۷. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۱). چهل حدیث، تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷). وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)، تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره).
۹. سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۶). درآمدی بر جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۰. شایگان، داریوش (۱۳۹۲). آسیا در برابر غرب، تهران: فروزان‌روز.
۱۱. طاهری، مهدی محمد (۱۳۹۱). بصیرت دینی در اندیشه مقام معظم رهبری، تهران: مطالعات راهبردی بسیج.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸). المیزان، قم: جامعه مدرسین.
۱۳. عسکری، ابوهلال (۱۴۱۵). معجم الفروق اللغویه، بیروت: داراحیاء التراث.
۱۴. فخررازی، محمدبن‌عمر (۱۴۱۳). مفاتیح‌الغیب، بیروت: داراحیاء التراث.
۱۵. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد (۱۴۱۲). کتاب‌العین، بیروت: داراحیاء التراث.
۱۶. قاضی، سعیدقمی (۱۳۷۸). شرح توحیدالصدوق، تهران: اوقاف و امور خیریه.
۱۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۸. ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸۹). جنگ نرم آمریکا در پیکارگاه قلوب و اذهان، قم: پگاه حوزه.
۱۹. مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری با اقتضای مختلف مردم
۲۰. محدث قمی، عباس (۱۳۸۴). سفینه‌البحار، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۱. محمدی‌فر، نجات (۱۴۰۱) نقش روحانیت شیعه در بیداری اسلامی در تاریخ سیاسی معاصر ایران، تهران، مجله مطالعات بیداری اسلامی.
۲۲. مدرس، وحید (۱۳۷۶) شرح نهج البلاغه، تهران: نی.
۲۳. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). قرآن در آینه نهج البلاغه، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). اسلام و مقتضیات زمان، تهران: صدرا.
۲۵. منصوری، خلیل (۱۳۸۲). عوامل و موانع بصیرت، تهران: فرهنگ.
۲۶. نجفی، موسی (۱۳۷۸). مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران، تهران: منیر.